

تحولات جدید در هفتمین سال آغاز جنگ داخلی سوریه

دکتر امین پرتو*

اشاره:

جنگ داخلی سوریه وارد هفتمین سال خود شد. جنبه تکراری این جنگ داخلی، درگیری‌های نظامی بدون انتها، دست به دست شدن مناطق تحت تصرف میان طرفین، تلفات سنگین غیرنظامیان، متهم ساختن متقابل طرفین جنگ به ارتکاب جنایات جنگی و هزینه‌های کلان اقتصادی است که بازیگران درگیر در آن متحمل می‌شوند. وضعیت در سوریه، پیوسته وخیم‌تر هم می‌شود؛ ایالات متحده آمریکا، عاقبت دست به حمله مستقیم نظامی علیه دولت سوریه زد؛ حمله‌ای که بهانه‌ای که اتهام کاربرد سلاح شیمیایی توسط نیروی هوایی سوریه علیه شهر «خان شیخون» بود که در کنترل تحریرالشام است. این حمله، مخالفان اسد و دشمنان منطقه‌ای او را امیدوار کرده است. کوشش آمریکا برای تصویب قطعنامه در شورای امنیت، برای هشتمین بار با توی روسیه مواجه شد و شکست خورد. در این میان، ترس از بر بادرفتن کامل مذاکرات، شدت گرفتن شایعات عجیب و غریب در مورد راه‌های مد نظر آمریکا برای حل و فصل بحران سوریه، خاتمه محاصره برخی شهرها از طریق توافق سیاسی، شکست‌های گسترده داعش در برخی مناطق و اعلام خاتمه عملیات «سپر فرات» از سوی ترکیه، تحولات عمده دو ماه اخیر در جریان جنگ داخلی سوریه بوده است.

مقدمه

در سوریه، عملیات نظامی و تلاش برای ائتلاف‌سازی و رسیدن به راه‌حل دیپلماتیک همچنان ادامه دارد. طرف‌های مختلف جنگ تعقیب توأمان راه حل نظامی و غیرنظامی را منافسی یکدیگر نمی‌دانند. با وجود متحمل شدن تلفات انسانی و تجهیزاتی سنگین، حمله علیه مخالفان در کنار کوشش برای مذاکره با بخش‌هایی از آنان ادامه یافته است. آنچه می‌تواند این بازی دوگانه را برهم بزند، اقدامات پیش‌بینی‌ناپذیر دونالد ترامپ در تغییر سیاست‌های آمریکا است. آیا ترامپ در سیاستی که او با ما در قبال سوریه اتخاذ کرده بود تغییری اساسی خواهد داد؟ حمله

موشکی سنگین به پایگاه هوایی شعیرات سوریه، گرچه اثر نظامی بلندمدتی نداشت، اما در صورت تکرار می‌تواند دست مخالفان را علیه اسد بالا ببرد. همه اینها به جز شایعاتی است که در مورد اقدامات احتمالی ترامپ علیه اسد و نیز نیروهای ایران و حزب‌الله در سوریه شنیده می‌شود: فعال کردن مجدد اتاق عملیات جنوب علیه اسد در درعا و قنیطره؛ فعال کردن جبهه قلمون شرقی و بادیه شرق دمشق که مدت‌ها است عملیاتی علیه اسد نمی‌کنند؛ برقراری مجدد جریان سلاح برای معارضان شمال سوریه که مدتی است به سبب همکاری‌هایشان با جبهه نصرت معلق شده است؛ ارسال موشک‌های دستی ضدهوایی استیونگر برای مخالفان حتی به تعداد محدود؛ اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه و ایران به سبب حمایتشان از اسد؛ فعال کردن ی‌پ‌گ (کردها) علیه نیروهای اسد؛ ایجاد مصالحه میان ی‌پ‌گ و ارتش آزاد و اعلام حکومت مرکزی سوریه از سوی آنان و خلع ید دولت اسد از سفارت‌خانه‌های خود و نیز سازمان‌های بین‌المللی؛ هدف قرار دادن جنگنده‌ها و هلی‌کوپترهای اسد با

جنگنده‌های پیشرفته خود یا استقرار موشک‌های ضد هوایی برد بلند در مرز ترکیه و اردن با سوریه و پوشش عمق خاک سوریه و هدف قراردادن هواگردهای اسد؛ مسلح ساختن و آموزش گسترده آوارگان سوری در ترکیه و اردن و روانه ساختن آنان به سوریه؛ قطع کردن خطوط هوایی انتقال تدارکات و نیرو برای اسد از کشورهای دیگر و البته در کنار همه این‌ها، تداوم هدف قراردادن نیروهای اسد به صورت موردی و محدود اما مؤثر و تعیین کننده. آمریکا اکنون به صراحت اعلام کرده است که بعد از داعش، نوبت رفتن اسد و آنگاه اخراج ایران و حزب الله است. آیا این مواضع هم تغییر خواهند کرد؟ اسد و متحدانش بیکار ننشسته‌اند و انتخاب‌های مختلف خود برای پاسخ گویی به اقدامات خصمانه جدید و محتمل آمریکا را اعلام کرده‌اند. به جز اینکه سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، گفته است که آمریکا دیگر مستقیماً به نیروهای اسد حمله نمی‌کند، روسیه از تقویت توان دفاع هوایی سوریه سخن گفته است. در بیانیه‌ای که اغلب رسانه‌ها به عنوان بیانیه مشترک ایران و روسیه، منتشر کردند، طرفین تهدید کردند که تجاوزات نظامی آتی آمریکا را با پاسخ مناسب، همراه خواهند کرد. سخنگوی کرملین کمی بعد اعلام کرد که نمی‌تواند این بیانیه را تأیید کند و نمی‌داند خبرنگار روتیز از کجا محتوای آن را به دست آورده است. کمی بعد وزرای خارجه سه کشور روسیه، ایران و سوریه روز جمعه ۲۵ فروردین، به آمریکا در مورد هر گونه حمله نظامی تازه به خاک سوریه هشدار داده و خواستار تحقیقاتی بین‌المللی درباره حمله شیمیایی خان شیخون شدند. لاوروف به ویژه تأکید کرد که تکرار حمله از سوی آمریکا نه فقط برای کل منطقه، که برای امنیت جهان عواقب جدی دربر خواهد داشت. البته او اظهار امیدواری کرده بود که حوادث مشابه، دیگر رخ نخواهد داد و حتی افزایش حضور نظامی آمریکا در مرز سوریه- اردن برای مقابله با داعش است و نه تهدیدی برای اسد.

اما این پاسخ به آمریکا و این عواقب جدی دقیقاً چه خواهد بود؟ آمریکا اعلام کرده است در سوریه درگیر نخواهد شد؛ اما خطوط قرمزی دارد که علاوه بر حمله شیمیایی، حمله با بمب‌های بشکه‌ای هم هست. (البته این خطر قرمز بمب بشکه‌ای، از زمان اعلام توسط سخنگوی کاخ سفید تا حال چند بار زیر پا نهاده شده است). هدف قراردادن موشک‌های کروز آمریکایی (البته در صورت امکان پذیر بودن) یک گزینه است. هدف قراردادن هواگردهای آمریکایی که بر فراز سوریه پرواز می‌کنند هم محتمل است. سوریه چند سال پیش یک هواپیمای بدون سرنشین آمریکایی را سرنگون

کرد و آمریکا هم اقدامی صورت نداد. آیا ممکن است سوریه و متحدانش، در پاسخ به حملات مشابه آمریکا، اقدام به هدف قراردادن نیروهای آمریکایی در داخل خاک سوریه با حملات متقابل از طریق حمله هوایی یا توپخانه‌ای یا موشکی و غیره کنند؟ یا اینکه به نیروهای متحد آمریکا مانند ی‌پ‌گ (کردها) حمله کنند؟ در چند مورد حملات اسرائیل به سوریه، سوریه و حزب الله، دست به اقدام خاصی (به جز یک مورد پس از شهادت سردار الله‌دادی) نزدند. آیا در مورد آمریکا می‌تواند رویه دیگری همچون افزایش حضور نظامی در سوریه و ارسال تجهیزات نظامی حساس تر برای اسد و حزب الله، خودداری از حمله علیه سایر گروه‌ها و کوشش برای رسیدن به تفاهم‌های پشت پرده با آن‌ها جهت انجام عملیات علیه آمریکا و نیروهای متحد آن در داخل سوریه را در پیش بگیرند؟ تشدید جنگ تمام عیار و حمله همه جانبه علیه مخالفان بدون رعایت الزاماتی که تاکنون رعایت می‌شد و ایجاد مزاحمت در دریای مدیترانه برای ناوگان آمریکا از اقدامات دیگری است که دست کم روی کاغذ قابل طرح هستند. با این حال، درگیرتر شدن آمریکا در سوریه به سود اسد، ایران و روسیه نیست. ترامپ با حمله نظامی مزبور، در داخل آمریکا کسب اعتبار کرده است. نخبگان سیاسی در سنا و مجلس نمایندگان و حتی مطبوعات و رسانه‌ها، که برای او ارزشی قائل نبودند، اقدامش را در سوریه تأیید کرده و او را مورد ستایش قرار داده‌اند. از این گذشته، ترامپ توانست حمایت گسترده‌ای هم از جانب متحدان خود، در داخل خاورمیانه و خارج آن به دست آورد. روی کاغذ، انتخاب‌های آمریکا بیشتر، مؤثرتر و قابل

منتشر گردید. به ویژه، کودکان آسیب‌دیده از عامل شیمیایی، در برانگیختن واکنش‌های جهانی در خصوص این حادثه بسیار مؤثر بودند. مخالفان، نیروهای اسد را متهم به کاربرد گاز سارین علیه خان‌شیخون کردند. در مقابل، دولت اسد و نیز روسیه، بر این مسئله تأکید نمودند که اولاً سوریه، مطابق با اعلام سازمان ملل متحد، کاملاً مورد خلع سلاح شیمیایی قرار گرفته است و ثانیاً در برهه کنونی که اسد، دست بالای نظامی را دارد، کاربرد سلاح شیمیایی از جانب آن نه فقط بدون دلیل و فایده، که احمقانه است. در حالی که خود اسد، تمام حادثه خان‌شیخون را ساختگی معرفی می‌کرد، ولید المعلم وزیر خارجه، دلیل دیگری برای آن ارائه کرد مبنی بر اینکه محل مورد بمباران قرار گرفته، یک مخزن تسلیحاتی جبهه نصرت بوده که در آن بمب شیمیایی نگهداری می‌شده است و با بمباران، آن مواد شیمیایی در هوا پخش شده و فاجعه آفریدند. مخالفان در مقابل، استدلال می‌کردند که اولاً ساخت بمب شیمیایی بسیار ساده است؛ ثانیاً اسد بارها پیش از این، از گاز کلر علیه مخالفان و شهرهای تحت کنترلشان استفاده کرده است و ثالثاً، اگر انبار مواد شیمیایی بمباران شده باشد، انفجار و آتش‌سوزی و آوار ناشی از انفجار، موجب خفه‌شدن مواد مزبور می‌شد نه پراکنش گسترده آن. در این میان، آمریکا ادعاهای عجیب و غریب‌تری مطرح کرد. آمریکا مدعی شد که مکالمات مربوط به کاربرد سلاح شیمیایی در خان‌شیخون را در میان نیروهای نظامی اسد شنود کرده است. ادعای غریب‌تر آمریکا این بود که روسیه، کاملاً از این اقدام اسد مطلع بوده است! به هر رو، حادثه شیمیایی خان‌شیخون، با ۷۴ تا ۱۰۰ کشته و ۳۷۰ تا ۵۰۰ زخمی، بحث کاربرد سلاح شیمیایی در جنگ داخلی سوریه را که به نظر پرونده‌ای بسته شده بود، دوباره گشود. ترامپ بدون آنکه وقعی به تحقیق در خصوص حادثه بنهد، فرمان صدور حمله موشکی به سوریه را بدون رجوع به کنگره صادر کرد. هدف، پایگاه هوایی شعیرات در استان حمص بود که هوایمای سوخو-۲۲ که خان‌شیخون را بمباران کرده بود از آن برخاسته بود. دو کشتی جنگی آمریکا در مدیترانه، ناوشکن‌های کلاس برک، یو اس اس پورتر و یو اس اس راس، ۶۰ موشک کروز تام‌هاوک به سوی شعیرات شلیک کردند. یکی از موشک‌ها در آب افتاد و ۵۹ موشک دیگر، از مسیر هوایی لبنان و اسرائیل، روانه سوریه شدند. پیامد حمله محل بحث‌های بسیار واقع شد. وزیر دفاع آمریکا مدعی شد ۲۰ درصد از توان هوایی سوریه از میان رفته است و روسیه ادعا کرد ۳۶ موشک شلیک شده منحرف شده و اصلاً به مقصد نرسیدند.

اجراتر است؛ هزینه کمتری دارد و حمایت منطقه‌ای و بین‌المللی بیشتری هم دارا است. در حال حاضر، اسرائیل، ترکیه و سعودی، بسیار امیدوار شده‌اند. ایران کوشیده است بر تحقیقات بین‌المللی در خصوص حادثه خان‌شیخون تمرکز کند و پیگیری مذاکرات را مورد تأکید قرار دهد. تجربه ثابت کرده است که آمریکا برای دست‌زدن به اقدام نظامی یک‌جانبه، وقعی به شورای امنیت یا تحقیقات بین‌المللی نمی‌نهد. ترامپ اکنون کوشیده تا عدم توفیق خود در تحقق برنامه‌هایش را با عملیات‌های نظامی پر آب و تاب و کم‌نتیجه جبران کند: ناکامی در اجرای فرامین مهاجرتی، ساخت دیوار با مکزیک، اختلافات داخلی در تیم مشاوران و کابینه‌اش و استعفاهای مکرر و جابه‌جایی‌های سریع با حمله به سوریه، انداختن «مادر بمب‌ها» بر سر داعش در افغانستان و تهدید کره شمالی، فضای تنفس و خودنمایی را در اختیار ترامپ قرار می‌دهد. تردیدی در این نکته هم نیست که برخی از نخبگان کنونی همراه ترامپ، او را جهت ضربه‌زدن به ایران، تشویق می‌کنند. چگونگی تحقق این سخن ترامپ که «جنگ داخلی سوریه، دیگر باید خاتمه یابد» در آینده روشن خواهد شد.

حمله موشکی آمریکا به پایگاه هوایی شعیرات

روز چهار آوریل ۲۰۱۷، مخالفان اسد مدعی شدند که شهر «خان‌شیخون» در جنوب استان ادلب (که تحت کنترل کامل جبهه نصرت قرار دارد) از سوی جنگنده‌های سوخو-۲۲ نیروی هوایی سوریه مورد حمله قرار گرفته است. به سرعت تصاویری از مجروحان و کشته‌شدگان این حادثه، که ظاهراً تحت تأثیر عامل شیمیایی قرار داشتند

تحلیل عکس‌های ماهواره‌ای غیرطبقه‌بندی شده و نیز تصاویر تهیه‌شده پس از حمله از محل حادثه نشان از این داشت که اغلب آشیانه‌های هواپیما که منهدم شدند، خالی بوده‌اند و باند فرود هم تقریباً بدون آسیب مانده است. در حقیقت، چهار ساعت پیش از حمله، آمریکا به روسیه اعلام کرده بود که نیروهایش را از شعیرات بیرون ببرد. روسیه این خبر را به نیروهای سوری هم منتقل کرد و قسمت عمده هواپیماها و پرسنل از این فرودگاه خارج شدند.^۱ آنچه در حمله از میان رفت، هشت هواپیمایی بود که مطابق با ادعای منابع روسی و سوری، غیرعملیاتی بودند. البته منابع سوخت، انبار تجهیزات و قطعات و نیز یک مجموعه دفاع هوایی هم منهدم شده بودند. تنها یک روز بعد از این حمله، نیروی هوایی سوریه با ادعای به پرواز درآوردن جنگنده‌های خود از شعیرات، غیرعملیاتی شدن این پایگاه را بی‌پایه و اساس معرفی کرد. با وجود این، برخی تحلیل‌گران نظامی، با بررسی آمار پرواز روزانه جنگنده‌های نیروی هوایی سوریه، به این نتیجه رسیدند که شعیرات چند روز متوالی غیرعملیاتی بوده است و از آن پروازی صورت نگرفته است.

تحولات نظامی

در دو ماه گذشته، نسبت به یکی دو ماه پیش از آن، از نظر نظامی، تحرک و فعالیت بسیار بیشتری را شاهد بوده‌ایم. این تحرک بیشتر، به چند دلیل بوده است: نخست، آغاز عملیات نظامی گسترده از سوی ائتلاف موسوم به هیئت تحریر الشام؛ دوم، توافق احرار الشام و تحریر الشام برای کنار گذاشتن اختلافات و برقراری آتش‌بس فی مابین و انجام عملیات مشترک علیه اسد؛ سوم، زیر پا گذاشته شدن عملی آتش‌بس از جانب گروه‌هایی که پیش‌تر داخل مذاکرات شده بودند و حالا به عملیات علیه اسد می‌پردازند (مانند فیلق الشام). مخالفان اسد در این میان، کوشیدند تا در همه جا، آتش نبرد علیه دولت را برافروزند.

مهم‌ترین اقدام نظامی مخالفان اسد، عملیات در شمال حما بود. عملیاتی که از سوی گروه‌هایی مانند ابناء الشام و جیش العزه، ادامه

عملیات «معرکه فی سبیل الله نمضی» محسوب می‌شود و برای تحریر الشام عملیات «قل و اعملوا» (و او به آنها گفت که عمل کنید!) نام دارد و برای ائتلاف تحت رهبری احرار الشام عملیات «صدی الشام» (پژواک شام) اسم گذاری شد. ائتلاف تحت رهبری احرار بسیار گسترده و شامل گروه‌هایی مانند جیش النصر، جی‌ش النخبه، جیش ادلب الحر، فیلق الشام، اجناد الشام، کتاب الصفوه، لواء شهدا الاسلام و غیره است. آغاز عملیات بسیار موفق بود و مخالفان با تصرف مجدد شهرهایی که چند ماه پیش تصرف کرده و از دست داده بودند، تا سه کیلومتری شهر حما رسیدند و فرودگاه حما را نیز زیر آتش گرفتند. نیروهای هوادار اسد اما به سرعت وارد عمل شدند: با آتش سنگین هوایی و توپخانه، آنها موفق به پس‌زدن نیروهای مخالف شدند. ۹۰ درصد مناطق جدید فتح‌شده توسط مخالفان بازپس گرفته شده، اما مقاومت آنان در حلفایا بیش از میزان تصور بوده است. به خصوص، صدمات زرهی نیروهای اسد قابل توجه بوده است. مخالفان، تنها در همین جبهه، ۱۲ تانک و ۴ نفر بر بی.ام.پی یک را منهدم و شش تانک و دو نفر بر بی.ام.پی یک را به غنیمت گرفته‌اند. تلفات انسانی نیروهای اسد هم قابل توجه بوده است. با این حال، در جمع‌بندی نهایی، مخالفان در پیشروی دچار بن‌بست شده‌اند. آنان گرچه همچنان روحیه دارند و غنائمی به دست آورده‌اند اما تلفات انسانی‌شان به قدری سنگین بوده که از ادامه عملیات بازمانده‌اند. زیر بمباران هوایی شدید روسیه و اسد، خطوط تدارکاتی آنان در فشار است؛ پشت جبهه‌شان آشفته و تجمع و تمرکز نیرو برایشان، بسیار خطرناک است. درگیری در شمال حما با کوشش‌های دیگر مخالفان برای عملیات ایذایی در نقاط

۱. حسب برخی گزارشات، آمریکا موضوع حمله را به دولت مصر نیز اطلاع داده بود زیرا برخی از خلبانان و نظامیان مصری در پایگاه شعیرات حضور داشتند. حضور مصر در سوریه و همکاری آن با حکومت اسد، اکنون به روشنی آشکار شده است. این حضور مستشاری مصر در سوریه که ادعا شده است شامل حضور خلبانان و نیروهای ویژه می‌شود، بعد دیگری هم دارد که تأمین مهمات و سلاح برای نیروهای اسد است. در تهاجم ماه اخیر مخالفان در درعا، موشک‌های ضدتانک ساخت مصر از نیروهای اسد به دست آمد. پیش‌تر هم انبوهی از مهمات سبک، آر پی جی و خمپاره ساخت مصر (که جدید بود) از نیروهای اسد به غنیمت گرفته شده بود.

با استقبال مخالفان در نقاط دیگر جنوب همراه نشده است. به عبارت دیگر، جبهه جنوبی، همچنان ساکت و آرام است. نیروهای سوری روانه منطقه شده‌اند و امکان وارونه شدن نتیجه نبرد، مانند شمال حما بسیار محتمل است.

مخالفان در غرب حلب موفق به دفع حمله نیروهای اسد شدند. این حمله که عمدتاً با مشارکت ارتش سوریه و لواء القدس فلسطین اجرا شد، با آتش متراکم و هماهنگ مخالفان، منتهی به شکست شد و بی نتیجه ماند. موقعیت مخالفان، در حومه غربی حلب، به صورتی است که می توان آنان را به محاصره در آورد یا اینکه وادار به عقب نشینی نمود زیرا از سه جهت، توسط مناطق تحت کنترل نیروهای اسد، احاطه شده‌اند. فعلاً درگیری های شدید در درعا، شمال حما و شرق حلب، امکان تمرکز نیرو در این بخش و شروع عملیات گسترده به صورت موفق را کاهش داده است.

در این میان، انجام عملیات بمب گذاری علیه دولت سوریه، توسط تحریر الشام به صورت گسترده دنبال شده است. بمب گذاری در مقر سازمان امنیت سوریه در شهر حمص منجر به کشته شدن ۴۰ نفر از افراد این سازمان و از جمله حسن دعبول، فرمانده اطلاعات ارتش در حمص شد. در دمشق نیز یک عامل انتحاری، در داخل ساختمان وزارت دادگستری، خود را منفجر کرد که ۲۵ تن کشته و ده ها تن مجروح شدند. دو انفجار در بخش قدیمی شهر دمشق علیه اتوبوس های زائران شیعه عراقی هم منتهی به کشته شدن ۷۴ تن شد. بیشتر کشته شدگان از نیروهای عراقی طرفدار اسد بودند. در لاذقیه هم بمب گذاری مشابهی صورت گرفت که حاصل آن کشته شدن تعدادی از نیروهای دولتی بود. تحریر الشام که مسئولیت این حملات پرسروصدا را بر عهده گرفته است، از آن به عنوان عاملی برای قدرت نمایی و جذب نیرو استفاده می کند. البته تحریر الشام خوش شانس هم نبوده است. حملات هوایی آمریکا علیه رهبران و اعضای این گروه، ادامه یافته و تعداد فراوانی از آنان را به هلاکت رسانده است. در یک حمله هوایی به روستای الجینه، در شمال ادلب، مسجد روستا تخریب شد و ۴۹ تن کشته و صد تن مجروح شدند. آمریکا مدعی شد که هدف مسجد نبوده و ساختمانی در مجاورت آن که محله جلسه سران جبهه نصرت بوده، هدف قرار گرفته است و تلفات غیرنظامی ادعایی دروغی بیش نیست. با این حال منابع محلی، از تلفات بالای غیرنظامیان در این حمله خبر داده اند.

در این مدت، اسرائیل هم دست به حمله هوایی علیه سوریه زد. اسرائیل، علیه اهدافی که مدعی شد متعلق به حزب الله است در اطراف

دیگر همزمان بود. در دمشق، تحریر الشام با همراهی احرار الشام، فیلق الرحمن و جیش الاسلام کوشیدند تا عملیات گسترده ای علیه نیروهای دولتی در محورهای قابون، برزه و جویر بگشایند. این عملیات به رغم سروصدای زیاد، دچار بن بست و خاتمه شد. گرچه از فشار بر غوطه شرقی کاست و این امکان را برای مخالفان در غوطه فراهم کرد تا اندکی حملات نیروهای دولتی را پس بزنند و تلفات و صدماتی بر آن وارد کنند. عملیات مشابه در نقاط دیگر سوریه هم اجرا شد که اغلب توفیقی به همراه نداشت: در لاذقیه، جیش النصر عملیات «و بشر الصابرين» را همراه با عملیات «فانکم غالبون» تحریر الشام اجرا کرد که دستاوردی نداشت. عملیات توسط احرار و تحریر الشام، در حمص شمالی از طریق حملات ناگهانی ادامه یافته است بدون آنکه منطقه ای به تصرف آنها درآید. اتحاد مخالفان در قالب «فیلق الحمص» به کارآمدیشان خواهد افزود اما این اتحاد، چاره ای در مقابل محاصره بودن منطقه و نرسیدن اسلحه و مهمات به آن را نمی کند. اگر نیروهای اسد تهاجم جدی به این منطقه صورت دهند، مخالفان یارای مقابله مؤثر با آن را نخواهند داشت.

مخالفان در درعا هم به ادامه عملیات «الموت و لامذله» در چارچوب اتاق عملیات «بنیان مرصوص» ادامه داده اند. خطوط دفاعی نیروهای سوری پس از دو ماه، عاقبت فرو ریخت و حی المنشیه به طور تقریباً کامل به تسلط مخالفان (ائتلاف ارتش آزاد، تحریر و احرار) درآمد اما مخالفان، در بخش غربی درعا، با تهاجم «جیش خالد بن ولید» که متحد داعش است، روبرو هستند. این رویارویی، از تمرکز توان آنان بر درعا می کاهد. به علاوه، تهاجم در حی المنشیه،

تدمر دست به حمله هوایی زد؛ این بار اما، بر خلاف مواقع قبلی، دفاع هوایی سوریه، واکنش جدی تری نشان داد و چند موشک اس-۲۰۰ (سام-۵) به سوی جنگنده‌های در حال فرار اسرائیلی شلیک کرد. یکی از موشک‌های ضد هوایی سوریه، توسط سیستم دفاع هوایی اسرائیل با موشک آرو ۲ سرنگون شد. بر خلاف شایعات، اسرائیل در دفاع از جنگنده‌های خود از ضد موشک آرو ۲ برای سرنگون کردن موشک اس-۲۰۰ سوریه استفاده نکرد. موشک اس ۲۰۰ سر جنگی بسیار بزرگ و نیرومند ۲۲۰ کیلوگرمی دارد. جنگنده‌های اسرائیلی از کمند پیشرفته‌ترین نسخه اس-۲۰۰ که روسیه در اختیار سوریه قرار داده بود و ۳۰۰ کیلومتر (صد کیلومتر بیشتر از اس-۳۰۰) برد دارد، گریختند اما موشک‌ها با برد بالایشان به ادامه مسیر خود ادامه داده و روانه خاک اسرائیل شدند. اینجا بود که از ترس فرود آمدن اس-۲۰۰ در اسرائیل و ایجاد آسیب برای شهرهای یهودی، دفاع هوایی اسرائیل موشکی را که خطرناک تشخیص داده بود، با موشک ضد موشک آرو ۲ سرنگون کرد. در هر حال، اسرائیل چنان از واکنش سوریه خشمگین شد که لیبرمن، وزیر دفاع، تهدید کرد که در صورت تکرار چنین اقداماتی، اسرائیل دفاع هوایی سوریه را نابود خواهد کرد.

نبرد با داعش

جدا از این درگیری‌ها، نبرد سه جانبه با داعش، از سوی دولت، مخالفان و کردها (ی‌پ‌گ) با شدت ادامه دارد. داعش در دیرالزور همچنان نیروهای دولتی را در فشار نهاده است. در دو ماه اخیر، داعش توانست برای مدتی تحرک در مسیر اثریا-خناسر را مجدداً برای چند روز مختل و قطع کند. در شرق حلب، داعش گرچه متحمل شکست سنگینی از نیروهای دولتی شد، اما توانست راه پیشروی آنان به سوی جنوب را ببندد و تلفات و صدمات سنگین انسانی و تجهیزاتی بر آنان وارد کند. با این حال، داعش در تدمر و حاشیه آن متحمل شکست شده است و کوشیده با عقب نشینی مداوم و ضربات برق آسا، ادامه حیات دهد. عاقبت فشارها داعش را وادار ساخت که از قلمون شرقی و بادیه شرق دمشق، دست به یک عقب‌نشینی استراتژیک و تخلیه کامل بزند. هم دولت و هم مخالفان در مسابقه برای تسلط بر این مناطق تخلیه شده بودند. ائتلافی از گروه‌های مخالف اسد که مدت‌ها است در بادیه با داعش در نبرد هستند و با نیروهای اسد کاری ندارند، متشکل از قوای شهید احمد العبدو، جیش الاسود الشرقيه و جیش الاحرار العشایر در قالب عملیات «سر جنا الجیاد» به پاک‌سازی داعش از بادیه سوریه پرداختند. البته

زمانی که این نیروها به پیشروی در شرق استان سویدا پرداختند (نکته‌ای که در شماره‌های قبلی دیده‌بان امنیت ملی پیش بینی کرده بودیم) مورد حملات هوایی نیروهای اسد قرار گرفتند. این نیروها، در همراهی با نیروهای مخالف اسد در قلمون شرقی (شامل جیش الاسلام، لواء الصنادید وابسته به فیلق الرحمان و احرار الشام) در قالب عملیات موسوم به «قادمون یا قلمون» ضمن پاک‌سازی قلمون شرقی از داعش، تقریباً محاصره منطقه را که داعش مدت‌ها برقرار کرده بود، در هم شکسته‌اند. نیروهای اسد تعجیل دارند تا پیش از شکسته شدن کامل محاصره، خود جای نیروهای داعش را بگیرند. اگر مسیر کمک‌رسانی به قلمون شرقی گشوده شود، امکان ارسال گسترده سلاح برای مخالفان فراهم می‌شود و بعید نیست که مخالفان، جبهه خفته این منطقه را علیه اسد مجدداً فعال کنند. اگر چنین شود، احتمال شکسته شدن محاصره غوطه شرقی، تهدید دمشق و قطع مسیر دمشق به حمص-حما-لاذقیه بسیار جدی خواهد شد. البته این مسئله به اراده ایالات متحده بستگی دارد که واقعاً بخواهد مجدداً شعله آتش بحران سوریه را شعله‌ورتر کند یا نه؟ اگر جبهه قلمون، با تزریق نیرو و سلاح فعال شود، اغلب دستاوردهای سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ نیروهای اسد برای امن کردن دمشق و پیرامون آن، بر باد خواهد رفت.

در این میان، کردها (ی‌پ‌گ) به عملیات خود با همکاری و مشارکت مستقیم آمریکا علیه داعش ادامه داده‌اند. آنان کنترل سد طبقه را در دست گرفته‌اند و با انتقال هوابرد نیرو به پشت خطوط نیروهای داعش، شهر طبقه را محاصره کرده و در آستانه سقوط کامل قرار داده‌اند. فرودگاه طبقه نیز

کامل موصل نزدیک شده باشد. بیلان شش ماه مقاومت داعش در موصل قابل توجه بوده است: مطابق با ادعای داعش که البته اغلب منابع آن را نزدیک به واقعیت می‌دانند، با بیش از ۴۰۱ عملیات انتحاری و شلیک ده‌ها موشک ضدتانک، ۸۶ تانک (آبرامز و تی-۷۲)، ۱۲۵ نفر بر بی.ام.پی. ۱، ۸۷۹ خودروی هم‌ر و ۵۸۵ عدد سایر ادوات زرهی، حمل‌ونقل و مهندسی منهدم شده است، ۹۱۰۰ نیروی دولتی کشته و تعداد قابل توجهی از تجهیزات ارتش عراق (مانند ۲۵ تانک آبرامز و بیش از ۴۰۰ خودروی نظامی) به شدت آسیب دیده و از کار افتاده‌اند. اما این مقاومت، داعش را نجات نداده است. داعش در عراق، قافیه را باخته است. وضع در سوریه هم بهتر نیست: احتمال آن وجود دارد که جبهه جدیدی با هدایت آمریکا و اردن علیه داعش در مرز سوریه و عراق گشوده شود. جایی که قریب به یک سال پیش، گروه منحل شده «ارتش جدید سوریه» در البوکمال وارد عمل شد اما به سرعت شکست خورد. داعش اما این بار، دلخوش به تهدید ایران و تهیه فیلم فارسی علیه جمهوری اسلامی ایران است: فیلم تبلیغاتی «بلاد فارس: گذشته و آینده» با حضور ایرانیانی که به داعش پیوسته «اهل سنت ایران و نوادگان سلمان فارسی»! را دعوت به بمب‌گذاری علیه هموطنان خود می‌کنند. داعش با انتشار فیلم تبلیغاتی «باقون الی قیام الساعة» از خجالت اردوغان هم درآمد: او را کودک‌کش کش تصویر کرد و رهبر اخوان‌المتردین (طعن به اخوان المسلمین) خواند.

مذاکرات و توافقات سیاسی

در میانه این همه درگیری، توافقات سیاسی میان طرفین مخاصمه صورت می‌گیرد و هر چند با دردسر و کند، اما در هر حال اجرا می‌شود. عاقبت برنامه انتقال افراد مسلح و مردم الوعر در حومه حمص، به منطقه ادلب عملیاتی شد. از سوی دیگر، با توافق دولت سوریه و احرار الشام (که موافقت جبهه نصرت را داشت اما ارتش آزاد آن را به شدت محکوم کرد) قرار شد تا مردم و افراد مسلح در دو شهرک زبدانی و مضایا در حومه دمشق با مردم و نیروهای مسلح هوادار اسد در فوعه و کفریا معاوضه شوند. ایران و قطر واسط این توافق بودند. روزنامه گاردین ادعا کرده است یک گروه شیعه مسلح عراقی که افرادی از خاندان سلطنتی قطر را در عراق به گروگان گرفته بود، موجب فشار به قطر برای ایفای این نقش برای جلب موافقت احرار و جبهه نصرت شده است. اگر این ادعا صحیح باشد، اسد، مقاومت در فوعه و کفریا را قابل ادامه نمی‌دانسته

در کنترل نیروهای آمریکایی است و گفته می‌شود پایگاه آمریکا از اینجریلیک ترکیه به این فرودگاه منتقل خواهد شد. بخش دیگر پیشروی کردها در شرق رقه و بر کرانه شرقی فرات به سوی جنوب بود. این موفقیت‌های نظامی، در سایه یک موفقیت سیاسی بسیار مهم دیگر برای آنان به دست آمد مبنی بر اینکه، ترکیه عاقبت مجبور شد اعلام کند که عملیات سپر فرات خاتمه یافته است و به احتمال زیاد، فعلاً خبری از عمیات نظامی ترکیه و ارتش آزاد علیه ی‌پ‌گ نخواهد بود. منبج در کنترل نیروهای کرد می‌ماند. گرچه وضعیت موجود بسیار پیچیده است. برای حفاظت از ی‌پ‌گ در برابر حمله ترکیه و ارتش آزاد، نیروی مشترکی از آمریکا و روسیه در منبج مستقر شد و خطوط تماس ترکیه و کردها در غرب منبج هم، شاهد استقرار نیروهای دولتی سوریه بود که در کنار کردها سنگر گرفتند. در این میان، روسیه در منطقه عفرین، یعنی غرب منطقه تحت کنترل ترکیه در شمال سوریه، اقدام به استقرار نیروی کوچکی در شهر «قطمه» کرده‌اند تا از سو راه را بر عملیات نظامی ترکیه ببندند. با این حال شایعه واگذاری مناطق شمالی حلب از جانب کردها به ارتش آزاد (شامل تل رفعت و نواحی پیرامون آن) که ظاهراً با فشار ترکیه مورد اصرار آمریکا قرار دارد، اگرچه مورد تکذیب هم کردها و هم ارتش آزاد واقع شد اما ابهام در مواضع کردها را جدی‌تر کرد. این ابهام زمانی که فرمانده ی‌پ‌گ اعلام کرد بعد از رقه نوبت ادلب و بعد از داعش نوبت جبهه نصرت است، بیشتر شده است.

داعش اما دست و پای مرگ می‌زند: فشار سنگین بر این گروه در عراق، به‌رغم مقاومت گسترده‌اش، موجب شده تا سقوط

نتیجه گیری

رفتارهای متناقض نما از سوی طرفین درگیر در جنگ داخلی سوریه، در شروع هفتمین سال این جنگ داخلی خونبار، همچنان ادامه دارد. روسیه و اسد در حالی که از مذاکره و راه حل سیاسی سخن می گویند، به عملیات نظامی خود هم علیه مخالفان ادامه می دهند. مخالفان هم چنین می کنند؛ همان ها که با جبهه نصرت درگیر بودند، حالا در عملیات مشترک با آن مشغول همکاری هستند. آمریکا هم که از نبودن ضرورت برای کناررفتن اسد و همکاری با روسیه سخن می گفت، ناگهان اقدام به حمله نظامی مستقیم به سوریه کرده و از لزوم اخراج اسد از قدرت و بیرون راندن ایران و متحدانش از سوریه سخن می گوید. مذاکرات به بن بست خورده است و چیزی جز تکرار مکررات نیست. مخالفان بر لزوم گذار سیاسی تأکید می کنند که از نگاه آنان خلع اسد از قدرت، حتی نه به صورت فوری، جزء اصلی، غیرقابل حذف و بنیان آن خواهد بود و نمایندگان اسد هم چنین مسئله ای را غیرقابل بحث می دانند. به نظر می آید هنوز طرفین جنگ، از نبرد خسته نشده و باوری به بی نتیجه بودن آن ندارند و از مذاکره سیاسی، برای کسب فرصت تنفس نظامی استفاده می کنند. در این میان، همه چیز موقوف به این شده است که دونالد ترامپ در آمریکا، چه تصمیمی برای سوریه خواهد گرفت. آیا اسرائیل و کشورهایمانند ترکیه و سعودی که خواستار برخورد جدی و خصمانه آمریکا علیه اسد و ایران در سوریه هستند به مقصود خود خواهند رسید یا اینکه ترامپ، به جز این میان پرده موشکی، سیاست اوپاما را به گونه ای دیگر ادامه خواهد داد؟ دست کم تا زمان اخراج داعش از رقه باید منتظر ماند.

و شاید خودداری مخالفان از یکسره کردن کار در این دو شهرک، به علت فشارهای قطر به سبب گروگان هایش بوده است. البته تا آخرین لحظات، مسئله مبادله با یک بمب گذاری علیه مردم فوعه و کفریا که به کشته شدن ۱۲۵ تن که عمدتاً از غیرنظامیان (شامل ۶۸ کودک) در حال انتقال از فوعه و کفریا بودند، دچار اختلال شده است. انگشت اتهام باز هم به سوی بازماندگان گروه جندالاقصی نشانه رفت که سلول های خفته طرفدار داعش در ادلب هستند. احتمالاً بخشی از جندالاقصی از منطقه خارج نشده و به داعش نپیوسته اند.

مذاکرات ژنو ۵ هم میان دولت و مخالفان دچار بن بست و شکستی سریع شد. نصر حریری، از نمایندگان مخالفان تأکید کرد که مخالفان هیچ گونه راه حل سیاسی که به برکناری اسد نیانجامد را نخواهند پذیرفت. همین رویکرد سبب شد تا دور بعدی مذاکرات در آستانه معلق شود. در روندی دیگر، مذاکراتی میان ایران و ترکیه در تهران برگزار شد. این مذاکرات به درخواست ترکیه پشت درهای بسته صورت گرفت. احتمالاً بعد از حمله آمریکا به سوریه، دیدار تیلرسون وزیر خارجه آمریکا از ترکیه و قول های مساعدی که وی به ترکیه داده است، سخنان عجیب و غریب ولید فارس، مشاور خاورمیانه ای ترامپ، مبنی بر اینکه بعد از فتح رقه، همه مناطق عرب نشین از کردها خلع ید شده و به عرب ها واگذار می شود، موجب شده تا ترکیه بازاندیشی در مواضعش را لازم ببیند. اردوغان به نوسانات محیرالعقول در سیاست خارجی اش، تمایل بیشتری دارد تا رفتارهای قابل پیش بینی.

گفته می شود آمریکا در حال مذاکره محرمانه با برخی شاخه های ارتش آزاد است. بر این اساس آمریکا پیشنهاد کرده است تا ۱۲ شاخه مهم و نیرومند از مخالفان که ادعای عضویت در ارتش آزاد دارند با یکدیگر متحد و ادغام شوند و احتمالاً اسلام گرایان میانه روی مانند فیلق الشام هم به آنها بپیوندند. این ائتلاف تازه، احتمالاً برای نبرد علیه جبهه نصرت و در ادامه حتی علیه احرارالشام به کار خواهد رفت. از سوی دیگر، رایزنی آمریکا برای ایجاد آشتی میان ارتش آزاد و کردها ادامه یافته است. آمریکا توانست دو طرف را به اجرای برنامه تبادل اسرا میان یکدیگر راضی کند که اجرا هم شد. همان طور که اشاره کردیم شایع است اجرای برنامه انتقال کنترل برخی مناطق در تصرف کردها به ارتش آزاد هم با فشار ترکیه، از سوی آمریکا دنبال می شود. کردها عمدتاً از رویارویی با اسد اجتناب کرده اند (به جز مورد حسکه) و همکاری فعالی هم علیه مخالفان اسد با دولت صورت داده اند. با این حال، فرصت طلبی آنان به اندازه ای هست که به صورت گسترده علیه اسد وارد عمل شوند.